

## بررسی توان استراتژیک بر محافظه کاری حسابداری شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

مریم غلامی اشکیکی

کارشناسی ارشد حسابداری، موسسه آموزش عالی راهبرد شمال، رشت، ایران. (نویسنده مسئول).

Gholamimaryam1377@gmail.com

دکتر محمد علی یوسفی

استادیار گروه حسابداری و مدیریت، موسسه آموزش عالی راهبرد شمال، رشت، ایران.

mayosefi1340@rahbordshomal.ac.ir

دکتر محمد محسن نوربخش لنگرودی

دکتری مدیریت بازرگانی - مدیریت مالی، ایران.

Noorbakhsh@gilrec.co.ir

### چکیده

این پژوهش با هدف بررسی توان استراتژیک بر محافظه کاری حسابداری شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به انجام رسید. جهت انجام این پژوهش تعداد ۱۴۳ شرکت بین سالهای ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۰ در بورس اوراق بهادار تهران به عنوان نمونه آماری بررسی گردید. فرضیه پژوهش با استفاده از روش رگرسیون پانل دیتا و رگرسیون ترکیبی در نرم افزار EViews10 تجزیه و تحلیل گردید. نتایج حاصل از تحلیل فرضیه پژوهش با استفاده از روش تخمین EGLS در سطح اطمینان ۹۵ درصد نشان داد که توان استراتژیک شرکت تاثیر منفی و معناداری بر محافظه کاری حسابداری شرکت دارد، لذا با افزایش توان استراتژیک شرکت، محافظه کاری حسابداری شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران کاهش خواهد یافت. توان استراتژیک، ممکن است باعث شود که شرکت به دنبال رشد و توسعه بیشتری باشد و به همین دلیل، ممکن است محافظه کاری حسابداری شرکت کاهش یابد.

**واژگان کلیدی:** توان استراتژیک، محافظه کاری، محافظه کاری حسابداری.

### مقدمه

شرکتها موظفند تصمیم بگیرند که چگونه با منابع محدود رقابت کنند و بقای خود را ادامه دهند. برای یک مدیر ضروری است که منابع کمیاب شرکت را بین دو فرآیند تخصیص دهد: تخصیص ارزش و ایجاد ارزش. این توان استراتژیک مدت هاست که به عنوان یک مشخصه مهم در سطح شرکت در نظر گرفته شده است که بر موقعیت فعلی و بلندمدت در بازار تأثیر می گذارد (جوزفسون<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۶). به عنوان مثال، یک مدیر در یک شرکت با تمرکز بر تخصیص ارزش ممکن است شایستگی های موجود را برای بهبود نتایج کوتاه مدت نسبت به موقعیت های بلندمدت اصلاح کند (جوزفسون و همکاران، ۲۰۱۶). در مقابل، مدیری که بیشتر بر روی ایجاد ارزش تمرکز می کند ممکن است سعی کند ریسک انجام چنین سرمایه گذاری هایی را برای تضمین توانایی مالی بلندمدت شرکت ارزیابی کند.

متعاقباً، مدیران نیز درگیر تصمیم گیری برای تشخیص سریع درآمدها یا هزینه ها با توجه به شرایط اقتصادی (ژونگ و لی<sup>۲</sup>، ۲۰۱۷) یا اهداف شرکت هستند (دیوین<sup>۳</sup>، ۱۹۶۳). یک شرکت ممکن است محافظه کاری حسابداری را با کاهش به موقع

<sup>1</sup> Josephson

<sup>2</sup> Zhong & Li

<sup>3</sup> Devine

سود در پاسخ به زیان‌های اقتصادی، یا شناسایی دیر هنگام سود در پاسخ به سود اقتصادی، اعمال کند. به دلیل صلاح دید مدیران نسبت به اطلاعات خصوصی برتر، آنها گاهی اوقات انتشار اطلاعات را بسته به انگیزه‌های مختلف، تسریع یا خودداری می‌کنند و بنابراین نقش مهمی در اجرای محافظه‌کاری ایفا می‌کنند (نوه<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۲۲).

پیشنهاد می‌شود که این دو تصمیم مهم (یعنی توان استراتژیک و محافظه‌کاری حسابداری) با یکدیگر مرتبط باشند؛ زیرا هر دو برای ایجاد مزیت رقابتی و حفظ ثبات مالی برای یک شرکت هستند. تحقیقات موجود، ارتباط مثبت بین توان استراتژیک در تخصیص ارزش و ایجاد ارزش بر عملکرد مالی مانند بازده سهام و بازده دارایی (جوزفسون و همکاران، ۲۰۱۶) را نشان می‌دهد. این بدان معناست که یک شرکت از سرمایه‌گذاری‌های متعهد خود با تخصیص ارزش، رانت‌های اقتصادی دریافت می‌کند. استدلال می‌شود که توان استراتژیک یک شرکت (یعنی توان استراتژیک در تخصیص ارزش نسبت به خلق ارزش) می‌تواند محافظه‌کاری حسابداری مشروط را به منظور (۱) بازدارندگی شرکت‌کنندگان در بازار محصول (یعنی تعدیل رقابت) و (۲) نظارت دقیق بر گزارش‌دهی مالی از سوی ذی‌نفعان را تشدید کند (یعنی تعدیل ریسک). به طور خاص، ابتدا، شرکت‌هایی که دارای توان استراتژیک در هستند، فرصت‌های کنونی برداشت (به‌عنوان مثال تخصیص ارزش) را بر توسعه شایستگی‌های آینده (یعنی خلق ارزش) قرار می‌دهند. این توان نسبی بر تخصیص ارزش نسبت به خلق ارزش مزایای کوتاه‌مدت را از پیشنهادات در دسترس ایجاد می‌کند (سابو<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۶)، که شرکت‌کنندگان بیشتری را دعوت می‌کند. بنابراین، نیاز به بازدارندگی از شرکت‌کنندگان وجود دارد و محافظه‌کاری مشروط به بازدارندگی شرکت‌کنندگان کمک می‌کند. علاوه بر این، مزایای کوتاه‌مدت نسبت به شایستگی‌های آتی ممکن است مشروط به نظارت دقیق‌تر از سوی ذی‌نفعان باشد و بنابراین نیاز به گزارش‌دهی مالی محافظه‌کارانه‌تری دارد. علاوه بر این، این ارتباط به ویژگی‌های مدیریتی بستگی دارد زیرا همسویی بین توان استراتژیک و محافظه‌کاری حسابداری توسط تصمیم‌گیرندگان در یک شرکت هماهنگ می‌شود (و باید هماهنگ شود) (نوه و همکاران، ۲۰۲۲). با این حال، اینکه آیا تغییر تصمیمات استراتژیک، مانند توان استراتژیک، روی سیاست حسابداری تأثیر می‌گذارد، مانند محافظه‌کاری، تا حد زیادی در ادبیات حسابداری بی‌پاسخ باقی مانده است. بنابراین، مسئله اصلی تحقیق حاضر پاسخ به این سوال است آیا توان استراتژیک بر محافظه‌کاری حسابداری شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر معناداری دارد؟

## مبانی نظری پژوهش

### محافظه‌کاری حسابداری

محافظه‌کاری، یک مفهوم حسابداری است که منجر به کاهش سود انباشته گزارش شده از طریق شناخت دیرتر درآمد و شناخت سریع‌تر هزینه، ارزیابی پایین‌داری و ارزیابی بالای بدهی می‌شود. باسو (۱۹۹۷)، محافظه‌کاری را الزام به داشتن درجه بالایی از اثبات و تأیید برای شناخت اخبار خوب مانند سود، در مقابل شناخت اخبار بد مانند زیان تعریف می‌نماید؛ اما مسئله و مشکل اصلی محافظه‌کاری شرکت‌ها در ارتباط با انتشار اطلاعات ناقص از سوی مدیران شرکت‌ها است که در دهه‌های اخیر، توجه بسیاری از سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان در بورس اوراق بهادار تهران را به خود معطوف ساخته است؛ به عبارت دیگر، با توجه به اینکه مدیران به دنبال جلب رضایت سهامداران و سرمایه‌گذاران جدید می‌باشند، همیشه به دنبال ایجاد یک نوع شکاف اطلاعاتی در ارتباط با کمتر نشان دادن ریسک شرکت هستند که این موضوع به یکی از مسائل مهم امروزی در بورس اوراق بهادار تهران تبدیل شده است. بر اساس پژوهش‌های صورت گرفته، عوامل متعددی می‌تواند در انتخاب رویه‌های حسابداری محافظه‌کارانه دخیل باشد؛ در این راستا، استقرار مناسب سازوکارهای حاکمیت شرکتی، اقدامی

<sup>1</sup> Noh

<sup>2</sup> Saboo

اساسی برای شفافیت، رعایت انصاف و حقوق همه ذی‌نفعان شرکت‌ها در اتخاذ رویه‌های محافظه‌کارانه حسابداری می‌باشد. چنین استنباط می‌شود که شرکت‌ها با ساختار حاکمیت شرکتی قوی به دلیل نظارت بیشتر بر مدیریت از روش‌های محافظه‌کارانه بیشتری در گزارشگری مالی استفاده می‌کنند. درحالی‌که مدیران در شرکت‌های با ساختار حاکمیت شرکتی ضعیف، انگیزه و مشوق‌های لازم برای گزارشگری صحیح را نداشته و بالعکس، انگیزه بیشتری برای رفتارهای فرصت‌طلبانه و جانبدارانه خواهند داشت (پورحیدری و همکاران، ۱۴۰۰).

واتس<sup>۱</sup> در سال ۲۰۰۹ محافظه‌کاری را چنین تعریف کرده است: محافظه‌کاری به‌طور سنتی با ضرب‌المثل هیچ سودی را پیش‌بینی نکنید اما همه زیان‌ها را پیش‌بینی کنید تعریف شده است. باسو (۱۹۹۷) محافظه‌کاری را الزام به داشتن درجه بالایی از تأیید برای شناخت اخبار خوب مانند سود، در مقابل شناخت اخبار بد مانند زیان تعریف می‌نماید. این تعریف، محافظه‌کاری را از دیدگاه سود و زیان توصیف می‌نماید؛ اما تعریف دیگر، تعریف محافظه‌کاری از دیدگاه ترازنامه است. بر اساس این دیدگاه، در مواردی که تردیدی واقعی در انتخاب بین دو یا چند روش گزارشگری وجود دارد، آن روشی باید انتخاب شود که کمترین اثر مطلوب بر حقوق صاحبان سهام داشته باشد. تعریف سوم درباره محافظه‌کاری بر پایه دیدگاه ترکیبی ترازنامه و سود و زیان است. در دیدگاه سوم، محافظه‌کاری یک مفهوم حسابداری است که منجر به کاهش سود انباشته گزارش شده از طریق شناخت دیرتر درآمد و شناخت سریعتر هزینه، ارزیابی پایین‌داری و ارزیابی بالای بدهی می‌شود (پورحیدری و همکاران، ۱۴۰۰).

## توان استراتژیک

یک شرکت منابع کمیاب خود را بین دو فرآیند تخصیص ارزش و خلق ارزش تخصیص می‌دهد که یک تصمیم اساسی برای ایجاد مزیت رقابتی پایدار است. تحقیقات قبلی ارتباط مثبت بین تأکید استراتژیک در تخصیص ارزش و خلق ارزش و عملکرد مالی را پیدا کرده است، برای مثال، تأکید بر استخراج فرصت‌های فعلی (یعنی تخصیص ارزش) بر توسعه قابلیت‌های آینده (یعنی خلق ارزش) نه تنها بازده اولیه سهام را افزایش می‌دهد، همچنین عملکرد مالی بر حسب بازده داری (ROA) که به‌عنوان نسبت درآمد خالص شرکت به کل دارایی‌ها اندازه‌گیری می‌شود را افزایش می‌دهد (جوزفسون و همکاران، ۲۰۱۶). تأکید استراتژیک یک شرکت می‌تواند با توجه به وضعیت فعلی و چشم‌انداز آینده متفاوت باشد. شرکت‌ها گاهی اوقات به دلیل جهت‌گیری کوتاه‌مدت خود به فعالیت‌های خلق ارزش ضروری متعهد نمی‌شوند؛ زیرا تمرکز بر تخصیص ارزش اغلب باعث موفقیت مالی به‌موقع می‌شود. در زمان‌های دیگر، شرکت‌ها می‌توانند با تمرکز بر خلق ارزش از موفقیت کوتاه‌مدت چشم‌پوشی کنند، زیرا ایجاد نوآوری تأثیرگذار، شرکت را از رقبا و نیروهای محیطی خود جلوتر نگه می‌دارد. تأکید نسبی بر تخصیص ارزش و خلق ارزش نه تنها شرکت‌ها را در برابر نوسانات در طول رکود بازار ایزوله می‌کند، بلکه پذیرایی بالاتر را در طول رونق تضمین می‌کند (سانگ<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۹). بنابراین، تأکید استراتژیک، استراتژی فعلی یک شرکت را نشان می‌دهد و تغییر تأکید استراتژیک بین تخصیص ارزش و خلق ارزش نشان‌دهنده نگرانی‌های مداوم و کاربردهای احتمالی منابع شرکت در آینده است (نوه و همکاران، ۲۰۲۲).

## پیشینه پژوهش

نوه و همکاران (۲۰۲۲) پژوهشی با عنوان تأکید استراتژیک و محافظه‌کاری حسابداری انجام دادند. برای بررسی اثر تأکید استراتژیک بر پذیرش یک روش حسابداری محافظه‌کارانه توسط شرکت، نویسندگان تأکید استراتژیک را به‌عنوان هزینه

<sup>1</sup> What's

<sup>2</sup> Sung

های تبلیغات منهای هزینه‌های تحقیق و توسعه (R&D) مقیاس‌بندی شده بر اساس کل دارایی‌ها اندازه‌گیری می‌کنند. نویسندگان برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری مشروط و بررسی اینکه چگونه حساسیت افزایشی سود به بازده منفی سهام با تاکید استراتژیک متفاوت است، بر به‌موقعیت نامتقارن سود از باسو (۱۹۹۷) تکیه می‌کنند. مشخص شده است که تاکید استراتژیک در تخصیص ارزش نسبت به خلق ارزش به‌طور مثبت با محافظه‌کاری حسابداری مرتبط است، زیرا آنها می‌خواهند شرکت‌کنندگان را بازدارند (یعنی تعدیل رقابت) و نظارت دقیق‌تری بر سیستم گزارشگری مالی از سوی ذی‌نفعان (یعنی تعدیل ریسک) انجام دهند. این استدلال همچنین توسط آزمون‌های مقطعی اضافی بر اساس سطوح مختلف رقابت بازار و محیط نظارت خارجی پشتیبانی می‌شود. علاوه بر این، ارتباط مثبت بین تاکید استراتژیک در تخصیص ارزش نسبت به خلق ارزش و محافظه‌کاری حسابداری زمانی که اعتماد به نفس بیش از حد مدیریتی بالا باشد، کمتر مشخص می‌شود. حیدری و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی به بررسی تأثیر درماندگی مالی و فرصت‌های رشد بر محافظه‌کاری حسابداری با نقش تعدیل‌گری بیش‌اطمینانی مدیریت پرداختند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد، متغیر درماندگی مالی و فرصت‌های رشد بر محافظه‌کاری تأثیر مثبت و معناداری دارند. بیش‌اطمینانی مدیریت بر رابطه بین درماندگی مالی و محافظه‌کاری تأثیر معناداری ندارد ولی رابطه بین فرصت‌های رشد و محافظه‌کاری را تعدیل کرده و تأثیر منفی و معناداری بر رابطه بین آنها دارد. به‌عبارت‌دیگر، مدیران با وضعیت مالی نامطلوب، چشم‌انداز مثبتی به وضعیت آتی شرکت نداشته و سطح محافظه‌کاری را افزایش می‌دهند. همچنین مدیران شرکت‌های بزرگ و در حال رشد، جهت حداقل کردن هزینه‌های سیاسی و اجتماعی خود، تمایل به انتخاب رویه‌های حسابداری محافظه‌کارانه‌تر دارند. از طرفی مدیران بیش‌اطمینان، نسبت به وضعیت آتی شرکت خوش‌بین بوده و سطح محافظه‌کاری حسابداری را کاهش می‌دهند. شماخی و نوذری نوبر (۱۴۰۰) در پژوهشی به بررسی رابطه بین محافظه‌کاری حسابداری و عملکرد شرکت در طول همه‌گیری COVID-19 در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج حاصل از آزمون فرضیات نشان داد بین محافظه‌کاری حسابداری و عملکرد شرکت در طول همه‌گیری COVID-19 در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه مستقیم معناداری وجود دارد.

### فرضیه پژوهش

بر اساس عنوان تحقیق، فرضیه تحقیق به‌صورت زیر مطرح می‌شود:  
فرضیه تحقیق: توان استراتژیک شرکت تأثیر معناداری بر محافظه‌کاری حسابداری دارد.

### روش‌شناسی پژوهش

در این تحقیق چون هدف بررسی ارتباط بین متغیرهای مستقل و وابسته است از این نوع تحقیق استفاده شد. نوع تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها توصیفی، نوع ارتباط بین متغیرها همبستگی و مدل رگرسیون است. و از آنجا که در این پژوهش به‌منظور بررسی روابط بین متغیرها، از اطلاعات گذشته استفاده شده، در ردیف مطالعات پس‌رویدادی قرار می‌گیرد. جامعه تحقیق کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران بین سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۰ می‌باشد. که نمونه آماری، از بین تمامی شرکت‌های فعال در بورس اوراق بهادار تهران بین سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۰ که همه شروط زیر را داشته باشند انتخاب می‌شوند: ۱. در بازه زمانی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۰، سهام شرکت در بورس اوراق بهادار مورد معامله قرار گرفته باشد. ۲. پایان سال مالی شرکت ۲۹ اسفند ماه باشد و در طی دوره تحقیق سال مالی آن عوض نشده باشد. ۳. جزء شرکت‌های واسطه‌گری مالی و سرمایه‌گذاری (هلدینگ) نباشد. ۴. اطلاعات مورد نیاز پژوهش را به‌طور کامل ارائه کرده باشند. با توجه به این شروط، با روش نمونه‌گیری حذفی سیستماتیک تعداد ۱۴۳ شرکت

به عنوان نمونه مورد مطالعه جهت پژوهش انتخاب شد. این تحقیق شامل سه دسته از متغیرهای وابسته، مستقل و کنترلی می باشد که پس از جمع آوری این متغیرها از صورت های مالی شرکت های نمونه از بورس تهران به وسیله مدل رگرسیونی متناظر با فرضیه مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرند. مدل رگرسیونی جهت آزمون فرضیه پژوهش عبارتند از:

$$ACit = \beta_0 + \beta_1 SPit + \beta_2 MOit + \beta_3 ROAit + \beta_4 RET + \beta_5 LEVit + \beta_6 BMit + \beta_7 SIZEit + \epsilon it$$

که:

ACit: محافظه کاری حسابداری شرکت i در سال t.

SPit: توان استراتژیک شرکت i در سال t.

MOit: مالکیت مدیریتی شرکت i در سال t.

ROAit: بازده دارایی های شرکت i در سال t.

RET: بازده سهام شرکت i در سال t.

LEVit: اهرم مالی شرکت i در سال t.

BMit: ارزش دفتری به ارزش بازار سهام شرکت i در سال t.

SIZEit: اندازه شرکت i در سال t.

### نحوه سنجش متغیرهای پژوهش متغیر وابسته

#### محافظه کاری حسابداری

واتس (۲۰۰۳)، بیان کرد که محافظه کاری تایید پذیری متفاوت مورد نیاز برای شناسایی سودها در مقابل زیانها می باشد. در بیانیه مفاهیم حسابداری شماره دو نیز برای تشریح محافظه کاری چنین آمده است: اگر دو برآورد از یک مبلغ دریافتی یا پرداختی آتی وجود داشته باشد و احتمال وقوع هر دو یکسان باشد؛ محافظه کاری استفاده از برآوردی را دیکته می کند که کمتر خوشبینانه است (هیات استانداردهای حسابداری مالی، ۱۹۸۰). در این پژوهش برای محاسبه محافظه کاری از سطح محافظه کاری بر اساس مدل گیولی و هاین و از طریق فرمول ذیل محاسبه می شود. مقدار حاصله از فرمول هر چه بیشتر باشد؛ سطح محافظه کاری بالاتر است (نوه و همکاران، ۲۰۲۲).

$$CSCORE_{it} = \frac{AFCC}{TA} \times (-1)$$

CSCOREt: درجه محافظه کاری حسابداری.

AFCC: اقلام تعهدی عملیاتی (تفاوت سود خالص و جریان نقدی عملیاتی).

TA: ارزش دفتری دارایی ها.

#### متغیر مستقل

#### توان استراتژیک

برای ساختن سطح توان استراتژیک شرکت، هزینه های تحقیق و توسعه را محاسبه می کنیم که از هزینه تبلیغات برای شرکت i در سال کسر می شود، و تقسیم بر کل دارایی ها می شود. همان طور که در ادبیات وجود دارد. هرچه این معیار توان

استراتژیک بالاتر (کمتر) باشد، شرکت بیشتر بر روی تخصیص ارزش (خلق ارزش) تمرکز می کند، زیرا تبلیغات تمایل به ارتباط بیشتر با تخصیص ارزش دارد و تحقیق و توسعه ارتباط بیشتری با خلق ارزش دارد (نوه و همکاران، ۲۰۲۲).

### متغیرهای کنترلی

مالکیت مدیریتی: از درصد مجموع سهام در مالکیت مدیران شرکت محاسبه می شود (نوه و همکاران، ۲۰۲۲).  
بازده دارایی ها: از نسبت سود خالص سال به کل دارایی ها محاسبه می شود (نوه و همکاران، ۲۰۲۲).  
بازده سهام: از رابطه زیر محاسبه می گردد:

$$RE_{it} = \frac{D_{it} + P_{it}(1 + \alpha + \beta) - (P_{it-1} + \alpha)}{P_{it-1} + \alpha} \times 10$$

که:

$RE_{it}$ : بازده سهام.

$D_{it}$ : سود نقدی تقسیمی هر سهم طی سال.

$P_{it}$ : قیمت بازار سهم در پایان سال.

$P_{it-1}$ : قیمت بازار سهم در اول سال.

$\alpha$ : نشان دهنده درصد افزایش سرمایه از محل مطالبات و آورده نقدی.

$\beta$ : به معنای افزایش سرمایه از محل اندوخته ها و سود انباشته.

$C$ : مبین مبلغ اسمی پرداخت شده توسط سهامدار از محل آورده نقدی یا مطالبات است.

اهرم مالی: از تقسیم کل بدهی ها به کل دارایی ها حاصل می شود (نوه و همکاران، ۲۰۲۲).  
ارزش دفتری به ارزش بازار سهام: از نسبت ارزش دفتری سهام به ارزش بازار سهام شرکت محاسبه می شود (نوه و همکاران، ۲۰۲۲).

اندازه شرکت: از لگاریتم طبیعی کل دارایی شرکت محاسبه می شود (نوه و همکاران، ۲۰۲۲).  
در این پژوهش از نرم افزار Excel برای محاسبه داده های جمع آوری شده و از نرم افزار Eviews برای تجزیه و تحلیل فرضیه ها استفاده شد.

### یافته های پژوهش

جدول ۱ نشان دهنده آمار توصیفی متغیرهای تحقیق می باشد که شامل ۱۴۳۰ مشاهده است. در این جدول شاخص های میانگین، میانه، بیشینه، کمینه، انحراف معیار، چولگی و کشیدگی بیان می گردد.

جدول (۱): نتایج آمار توصیفی

متغیرها	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
AC	-۰,۰۲۵	-۰,۰۱۵	۰,۵۲۴	-۰,۸۴۶	۰,۱۴۸	-۰,۵۵۵	۶,۲۴۷
SP	۰,۰۰۰۲	۰,۰۰۰	۰,۰۱۵	۰,۰۰۰	۰,۰۰۱	۶,۶۸۵	۱۸,۷۳۵
MO	۰,۶۰۵	۰,۶۷۴	۰,۹۹۴	۰,۰۰۰	۰,۲۶۰	-۰,۸۷۰	۲,۷۹۶
ROA	۰,۱۴۴	۰,۱۲۲	۰,۶۷۳	-۰,۵۸۱	۰,۱۵۳	۰,۴۸۸	۳,۸۳۲
RET	۰,۹۳۹	۰,۲۹۷	۱۸,۳۸۷	-۰,۸۱۹	۱,۸۷۹	۳,۲۱۱	۱۷,۷۳۸
LEV	۰,۵۴۹	۰,۵۵۲	۱,۸۲۴	۰,۰۳۱	۰,۲۰۳	۰,۲۰۷	۱۷,۷۳۸

۱۲,۷۱۵	۱,۹۲۲	۰,۳۴۰	-۱,۴۵۵	۳,۳۵۱	۰,۳۳۸	۰,۴۰۲	BM
۴,۳۰۶	۰,۹۰۶	۱,۶۵۱	۱۰,۴۹۲	۲۱,۳۲۷	۱۴,۴۲۰	۱۴,۶۶۱	SIZE
۱۴۳۰	۱۴۳۰	۱۴۳۰	۱۴۳۰	۱۴۳۰	۱۴۳۰	۱۴۳۰	مشاهدات

جدول ۱ حاوی آمار توصیفی متغیرهای تحقیق است. در این جدول، کمترین میانگین مربوط به متغیر محافظه کاری حسابداری و بیشترین میانگین مربوط به متغیر اندازه شرکت می باشد. همچنین مثبت بودن ضرایب کشیدگی، حکایت از این مطلب دارد که توزیع داده ها از توزیع نرمال بلندتر بوده و داده ها حول میانگین متمرکز شده است.

### آزمون مانایی متغیرها

به منظور اطمینان از نتایج تحقیق و ساختگی نبودن روابط موجود در رگرسیون و معنادار بودن متغیرها، اقدام به انجام آزمون مانایی و محاسبه ریشه واحد متغیرهای تحقیق در مدل ها گردید. آزمون مزبور با استفاده از نرم افزار EViews10 و روش های آزمون لوین، لین و چو، آزمون ایم، پسران و شین، آزمون ریشه واحد فیشر-دیکی فولر تعمیم یافته و آزمون ریشه واحد فیشر-فیلیپس انجام گردید. در آزمون ریشه واحد فرضیه صفر بیان گر وجود ریشه واحد بوده و در صورتی که احتمال آزمون ها کوچک تر از ۰,۰۵ باشد، به احتمال ۹۵ درصد فرضیه صفر پذیرفته نمی شود. نتایج حاصل از آزمون ریشه واحد برای متغیرهای مدل ها به شرح جدول ۲ است.

جدول (۲): نتایج آزمون مانایی

PP - Fisher Chi-square		ADF - Fisher Chi-square		Im, Pesaran and Shin W-stat		Levin, Lin & Chu		متغیرها
احتمال	آماره	احتمال	آماره	احتمال	آماره	احتمال	آماره	
۰,۰۰۰	۶۳۵,۷۷۴	۰,۰۰۰	۵۴۴,۳۶۲	۰,۰۰۰	-۸,۳۶۳	۰,۰۰۰	-۱۷,۹۳۶	AC
۰,۰۰۰	۱۹۱,۰۴۹	۰,۰۰۰	۱۸۶,۳۵۱	۰,۰۰۰	-۱۰۵,۸۰۸	۰,۰۰۰	-۵۱۴,۱۱۸	SP
۰,۰۰۰	۴۷۱,۰۱۴	۰,۰۰۰	۴۸۶,۲۱۰	۰,۰۰۰	-۵,۰۷۴	۰,۰۰۰	-۲۳,۲۸۸	MO
۰,۰۰۰	۳۷۵,۹۳۵	۰,۰۰۰	۴۵۵,۸۹۵	۰,۰۰۰	-۵,۰۲۸	۰,۰۰۰	-۱۲,۴۱۷	ROA
۰,۰۰۰	۷۸۱,۹۴۴	۰,۰۰۰	۶۷۶,۶۰۳	۰,۰۰۰	-۱۲,۸۰۷	۰,۰۰۰	-۲۷,۴۰۹	RET
۰,۰۰۰	۳۸۰,۳۰۷	۰,۰۰۰	۴۴۸,۶۶۱	۰,۰۰۰	-۵,۴۵۹	۰,۰۰۰	-۱۵,۸۵۲	LEV
۰,۰۰۰	۷۴۷,۵۱۶	۰,۰۰۰	۶۴۳,۲۰۴	۰,۰۰۰	-۱۱,۲۰۲	۰,۰۰۰	-۲۶,۷۸۱	BM

بر اساس نتایج مندرج در جدول ۲ معناداری محاسبه شده برای آزمون های مانایی کلیه متغیرها کوچکتر از ۰,۰۵ است لذا کلیه متغیرهای تحقیق مانا هستند.

### آزمون عدم هم خطی

قبل از برآورد مدل فرضیات لازم است تا عدم وجود هم خطی میان متغیرهای تحقیق آزمون شود. برای بررسی وجود یا عدم وجود هم خطی میان متغیرهای پژوهش از تحلیل همبستگی پیرسون استفاده شده است. جدول ۴ ضرایب همبستگی پیرسون میان متغیرها را نشان می دهد.

جدول (۴): نتایج آزمون عدم هم خطی متغیرها

SIZE	BM	LEV	RET	ROA	MO	SP	AC	Correlation
							۱,۰۰۰	AC
						۱,۰۰۰	-۰,۰۲۷	SP

					۱,۰۰۰	۰,۰۶۳	۰,۰۲۶	MO
				۱,۰۰۰	۰,۰۵۹	۰,۰۲۵	-۰,۵۶۴	ROA
			۱,۰۰۰	۰,۱۴۳	-۰,۰۵۱	-۰,۰۳۹	-۰,۱۵۶	RET
		۱,۰۰۰	-۰,۰۵۹	-۰,۶۰۲	۰,۱۴۲	۰,۰۳۹	۰,۴۰۸	LEV
	۱,۰۰۰	-۰,۱۰۰	-۰,۳۱۱	-۰,۲۲۱	-۰,۰۰۳	۰,۰۲۱	۰,۱۵۲	BM
۱,۰۰۰	-۰,۰۷۷	-۰,۰۵۷	-۰,۰۲۵	۰,۲۲۲	۰,۰۴۰	-۰,۱۳	-۰,۱۶۵	SIZE

باتوجه به نتایج جدول ۴ مشخص که مقادیر ضریب همبستگی خیلی زیاد یا خیلی کم (نزدیک به +۱ و -۱) که نتایج تحلیل رگرسیونی را تحت تأثیر قرار دهد، وجود ندارد، در نتیجه هم خطی ای میان متغیرهای پژوهش وجود ندارد.

### تجزیه و تحلیل مدل فرضیه‌های تحقیق

#### آزمون نرمال بودن خطاهای مدل

بررسی و انجام آزمون مذکور بر اساس آماره جارک‌برا است. چنانچه سطح احتمال آزمون جارک‌برا پایین و کمتر از ۰,۰۵ باشد، فرض صفر، یعنی نرمال بودن سری رد می‌شود. نتایج این آزمون در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول (۵): آزمون نرمال بودن خطاهای مدل

نوع آزمون	آماره	سطح معناداری	نتیجه آزمون
جارک‌برا	۱,۷۵۶	۰,۴۲۰	نرمال بودن خطاها

همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، سطح معناداری جمله اخلاص مدل بزرگ‌تر از ۰,۰۵ می‌باشد که این امر نشان‌دهنده نرمال بودن خطاهای مدل است.

#### آزمون همسانی واریانس خطاهای مدل

یکی از پیش‌فرض‌های مدل رگرسیون، ثابت بودن واریانس خطا است. به‌طوری‌که باوجود ناهمسانی واریانس در مدل، افزایش یا کاهش در متغیر مستقل، واریانس متغیر وابسته که برابر با واریانس پسماند است تغییر می‌کند. در این پژوهش برای اطمینان از نتایج به‌دست‌آمده، برای بررسی همسانی واریانس‌ها در داده‌های ترکیبی از روش بارتلت استفاده می‌شود. جدول ۶ نتایج حاصل از آزمون همسانی مدل را با استفاده از آزمون بارتلت نشان می‌دهد.

جدول (۶): نتایج آزمون همسانی واریانس خطاهای مدل

مدل	نوع آزمون	احتمال آزمون
اصلی	بارتلت	۰,۰۰۰

با توجه به نتایج جدول ۶ که نشان‌دهنده مقدار احتمال کوچک‌تر از ۰,۰۵ است، می‌توان گفت واریانس خطاها ناهمسان است و فرض صفر مبنی بر ثابت بودن واریانس مدل رد شده است. برای رفع ناهمسانی واریانس خطاها، از روش حداقل مربعات تعمیم یافته (EGLS) استفاده خواهد شد.



## آزمون F لیمر مدل

در برآورد مدل پانل دیتا با دو حالت کلی روبرو هستیم. حالت اول این است که عرض از مبدأ برای کلیه مقاطع یکسان است که در این صورت با مدل پول دیتا<sup>۱</sup> مواجه هستیم. حالت دوم عرض از مبدأ برای تمام مقاطع متفاوت است که به این حالت پانل دیتا<sup>۲</sup> گفته می‌شود. برای شناسایی دو حالت فوق از آزمونی به نام اف- لیمر استفاده می‌شود. بنابراین آزمون اف- لیمر برای انتخاب بین روش‌های رگرسیون پول دیتا (تلفیقی) و رگرسیون با اثرات ثابت استفاده می‌شود. جدول ۷ نتایج حاصل از آزمون F لیمر را نشان می‌دهد.

جدول (۷): آزمون F لیمر مدل

نوع آزمون	مقدار	P-Value
F لیمر	۰,۷۵۷	۰,۳۲۱

بر اساس جدول ۷ و با توجه به اینکه احتمال (Prob) به دست آمده از آزمون F لیمر بزرگ‌تر از ۰,۰۵ است، به منظور برآورد این مدل‌ها از مدل داده‌های تلفیقی استفاده می‌شود.

## تخمین مدل

نتایج حاصل از تخمین مدل با استفاده از روش EGLS در جدول ۸ به نمایش درآمده است.

جدول (۸): نتایج تخمین مدل‌ها

ACit = β0 + β1SPit + β2MOit + β3 ROAit + β4 RET + β5 LEVit + β6 BMit + β7 SIZEit + eit				
متغیر	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob
SP	-۳,۵۴۴	۱,۱۲۸	-۳,۱۴۱	۰,۰۰۱
MO	۰,۰۱۶	۰,۰۰۹	۱,۸۰۸	۰,۰۷۰
ROA	۰,۴۴۴	۰,۰۲۲	-۱۹,۵۲۳	۰,۰۰۰
RET	-۰,۰۰۴	۰,۰۰۱	-۳,۴۲۲	۰,۰۰۰۶
LEV	۰,۰۷۷	۰,۰۱۵	۴,۸۷۷	۰,۰۰۰
BM	۰,۰۱۴	۰,۰۰۷	۲,۰۲۸	۰,۰۴۲
SIZE	-۰,۰۰۴	۰,۰۰۱	-۳,۴۴۰	۰,۰۰۰۶
عرض از مبدأ (C)	۰,۰۵۱	۰,۰۲۳	۲,۱۷۰	۰,۰۳۰
ضریب تعیین = ۰,۴۳۶		ضریب تعیین تعدیل شده = ۰,۴۳۴		
آماره دوربین واتسون = ۱,۵۲۰		آماره آزمون F = ۱۵۷,۶۰۰		احتمال آزمون F = ۰,۰۰۰

نتایج بیان شده در جدول ۸ بیان‌گر این است که معناداری (P-value) آزمون F برای مدل برابر با ۰,۰۰۰ می‌باشد که کوچک‌تر از ۰,۰۵ است و از آنجائی که آماره F اعتبار کلی مدل را نشان می‌دهد در نتیجه می‌توان گفت مدل با احتمال ۹۵ درصد معنادار بوده و از اعتبار بالایی برخوردار است. ضریب تعیین تعدیل شده مدل معادل ۰,۴۳۴ است. این عدد نشان می‌دهد که حدود ۴۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته مدل توسط متغیرهای توضیحی قابل تبیین است و از آنجائی که آماره دوربین-واتسون مدل برابر با ۱,۵۲۰ است و این مقدار بین ۱,۵ تا ۲,۵ قرار دارد، می‌توان گفت که در مدل خودهمبستگی وجود ندارد.

## فرضیه تحقیق

<sup>1</sup> Pool Data  
<sup>2</sup> Panel Data

نتایج مندرج در جدول ۸ نشان می‌دهد، P-value محاسبه شده برای متغیر مستقل توان استراتژیک شرکت (۰,۰۰۱)، کوچک‌تر از ۰,۰۵ و ضریب برآورد شده آن متغیر (-۳,۵۴۴) منفی است. در نتیجه می‌توان اظهار داشت که توان استراتژیک شرکت تاثیر منفی و معناداری بر محافظه‌کاری حسابداری شرکت دارد. بر این اساس، فرضیه پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد مبنی بر اینکه توان استراتژیک شرکت تاثیر معناداری بر محافظه‌کاری حسابداری دارد، تأیید می‌شود.

### بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل متغیرهای وابسته، مستقل و کنترلی مدل رگرسیونی تحقیق نشان داد، معناداری محاسبه شده برای متغیر مستقل توان استراتژیک شرکت کوچک‌تر از ۰,۰۵ و ضریب برآورد شده آن متغیر منفی است. در نتیجه می‌توان اظهار داشت که توان استراتژیک شرکت تاثیر منفی و معناداری بر محافظه‌کاری حسابداری شرکت دارد. بر این اساس، فرضیه پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد مبنی بر اینکه توان استراتژیک شرکت تاثیر معناداری بر محافظه‌کاری حسابداری دارد، تأیید می‌شود. لذا با افزایش توان استراتژیک شرکت، محافظه‌کاری حسابداری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران کاهش خواهد یافت. توان استراتژیک شرکت به معنای توانایی شرکت در ایجاد و اجرای استراتژی‌های جدید و نوآورانه است. این توان، ممکن است باعث شود که شرکت به دنبال رشد و توسعه بیشتری باشد و به همین دلیل، ممکن است محافظه‌کاری حسابداری شرکت کاهش یابد. به عنوان مثال، در صورتی که شرکت بخواهد به بازارهای جدید وارد شود و محصولات جدیدی را عرضه کند، ممکن است نیاز به سرمایه‌گذاری بیشتری داشته باشد. در این صورت، شرکت ممکن است تصمیم بگیرد که بخشی از سود خود را به سمت سرمایه‌گذاری در پروژه‌های جدید بدهد. این کار ممکن است باعث کاهش سود نسبی شرکت شود، اما به طور همزمان، می‌تواند منجر به رشد و توسعه بیشتر شرکت در آینده شود. بنابراین، توان استراتژیک شرکت ممکن است باعث کاهش محافظه‌کاری حسابداری شرکت شود، زیرا شرکت به دنبال رشد و توسعه بیشتر است و ممکن است برای این منظور، بخشی از سود خود را به سمت سرمایه‌گذاری در پروژه‌های جدید بدهد. این نتیجه مطابق نتیجه تحقیق نوه و همکاران (۲۰۲۲) است.

- برای کاهش تاثیر منفی توان استراتژیک شرکت بر محافظه‌کاری حسابداری شرکت‌های بورس تهران، پیشنهاد می‌شود: ۱. ارزیابی دقیق استراتژی‌های جدید: قبل از اجرای هر استراتژی جدید، باید به دقت ارزیابی شود که آیا این استراتژی درازمدت سودآور خواهد بود یا نه. در صورت عدم قطعیت، بهتر است کمترین سرمایه‌گذاری لازم را انجام داد.
  - افزایش شفافیت: شفافیت در گزارشگری مالی و اطلاع‌رسانی به سهامداران می‌تواند باعث کاهش نگرانی‌های آنها درباره کاهش محافظه‌کاری حسابداری شود.
  - مدیریت ریسک: برای کاهش تاثیر منفی توان استراتژیک شرکت بر محافظه‌کاری حسابداری، باید ریسک‌های مختلفی که در اجرای استراتژی‌های جدید وجود دارد، شناسایی و مدیریت شود.
  - استفاده از ابزارهای مالی: استفاده از ابزارهای مالی مانند بدهی‌های قابل تبدیل به سهام، سهام و اوراق قرضه می‌تواند به شرکت‌ها کمک کند تا سرمایه‌گذاری لازم را برای اجرای استراتژی‌های جدید انجام دهند.
- در راستای موضوع پژوهش پیشنهاداتی جهت پژوهش‌های آتی به شرح زیر ارائه می‌گردد:
- به پژوهشگران پیشنهاد می‌گردد در تحقیقات آتی در بررسی تاثیر توان استراتژیک بر محافظه‌کاری حسابداری از نقش تعدیل‌گر خودشیفتگی مدیرعامل استفاده کنند.
  - به محققین پیشنهاد می‌گردد در تحقیقات آتی تاثیر معیارهای توان استراتژیک شرکت مدنظر قرار گیرد.
  - به پژوهشگران پیشنهاد می‌گردد این تحقیق را در میان بانک‌ها، مؤسسات مالی به اجرا درآورند.

در انجام این پژوهش، چندین محدودیت وجود داشته که احتمالاً بر نتایج و یافته‌های حاصله تأثیر گذاشته است. این محدودیت‌ها عبارتند از:

۱. از آنجا که در این تحقیق از روش حذف سیستماتیک (هدفمند) برای نمونه‌گیری استفاده شده است و منجر به حذف برخی صنایع منجمله واسطه‌گری مالی شده است لذا در تعمیم نتایج به کل صنایع باید احتیاط لازم را به عمل آورد.
۲. محافظه‌کاری حسابداری ممکن است به بسیاری از مولفه‌های رفتاری وابسته باشد که بررسی همه آنها محدودیت در گردآوری اطلاعات بود.

## منابع

- ✓ پورحیدری، امید، کیانی چنده، علی، براتی، فرید، (۱۴۰۰)، تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی و ارتباطات سیاسی بر محافظه‌کاری حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش‌های مالی و رفتاری در حسابداری، دوره ۱، شماره ۲، صص ۱۰۰-۱۲۲.
- ✓ حیدری، مهدی، علی اکبرلو، علیرضا، خاکپور حیدرانلو، ابراهیم، (۱۴۰۱)، بررسی تأثیر درماندگی مالی و فرصت‌های رشد بر محافظه‌کاری حسابداری با نقش تعدیل‌گری بیش اطمینانی مدیریت، مطالعات تجربی حسابداری مالی، دوره ۱۸، شماره ۷۳، صص ۱۷۷-۲۰۸.
- ✓ شماخی، حمیدرضا، نودری نویر، ناصر، (۱۴۰۰)، بررسی رابطه بین محافظه‌کاری حسابداری و عملکرد شرکت در طول همه‌گیری COVID-19 در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، چشم انداز حسابداری و مدیریت، دوره ۴، شماره ۴۹، صص ۸۲-۹۷.
- ✓ Devine, C.T. (1963). The rule of conservatism reexamined. *Journal of Accounting Research*, Vol. 1 No. 2, pp. 127-138.
- ✓ Josephson, B.W., Johnson, J.L. and Mariadoss, B.J. (2016), Strategic marketing ambidexterity: antecedents and financial consequences, *Journal of the Academy of Marketing Science*, Vol. 44 No. 4, pp. 539-554.
- ✓ Noh, M., Park, J. and Yoo, S. (2022). Strategic emphasis and accounting conservatism. *Managerial Finance*, <https://doi.org/10.1108/MF-04-2022-0183>.
- ✓ Saboo, A.R., Chakravarty, A. and Grewal, R. (2016). Organizational debut on the public stage: marketing myopia and initial public offerings. *Marketing Science*, Vol. 35 No. 4, pp. 656-675.
- ✓ Zhong, Y. and Li, W. (2017). Accounting conservatism: a literature review. *Australian Accounting Review*, Vol. 27 No. 2, pp. 195-213.